

بررسی میزان همبستگی بین شاخصهای هدایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم و نگرش آنها نسبت به رشته انتخابی خود در دبیرستانهای شهر کاشان

دکتر مصطفی شریف خلیفه سلطانی

استادیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

دکتر سید احمد احمدی

دانشیار دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

محمد کبریائی

کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه اصفهان

چکیده

راهنمایی و مشاوره در دوره متوسطه وظیفه هدایت و راهنمایی افراد به رشته‌ها و شاخه‌های مختلف تحصیلی را با توجه به توانایی‌ها و علاقه‌های آنان و نیازهای جامعه بر عهده دارد. چنان‌که رشته تحصیلی یا شغلی فرد با توانایی‌ها و علاقه‌های وی متناسب باشد کارآمدی و موفقیت او را به همراه دارد. این تحقیق به بررسی میزان همبستگی ملاک‌های هدایت تحصیلی دانش آموزان و نگرش آنان نسبت به رشته انتخابی‌شان پرداخته است. در این پژوهش از دو روش همبستگی و پیمایشی استفاده شده است جامعه آماری تحقیق همه دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای روزانه شهر کاشان در سال تحصیلی ۷۸-۷۹ شامل ۴۸۰۵ نفر می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای،

نمونه‌ای با حجم ۳۵۱ نفر به عنوان آماری انتخاب شده‌اند. در تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی استفاده گردیده است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین ملاکهای مشاوره‌ای و پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد که از چهار ملاک هدایت تحصیلی: نظر مشاور، نظر دبیر، آزمون هوش و آزمون رغبت سه ملاک هدایت تحصیلی نظر دبیر، نظر مشاور، و آزمون رغبت، با پیشرفت تحصیلی به ترتیب دارای ضریبهای همبستگی ۰/۳۸، ۰/۲۶، ۰/۱۲ در سطح ضعیف و خیلی ضعیف معنادار می‌باشند. ملاک آزمون هوش با پیشرفت تحصیلی دارای رابطه معنی‌دار نمی‌باشد. نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های تحصیلی‌شان در شاخه نظری، بالا و در شاخه فنی و حرفه‌ای کار دانش در سطح پایین‌تر از متوسط می‌باشد.

مقدمه

همان‌گونه که دو انسان از نظر زیستی یکسان نیستند، از نظر استعدادها و انگیزه‌ها نیز متفاوت هستند. ساختمان پیچیده روانی انسانها تفاوت‌های بسیاری را در استعدادها، علاقه‌ها، و نگرش‌های آنان ایجاد می‌کند (معیری، ۱۳۷۱، ص ۱۶۷). باید امکانات محیطی در دوره‌های مختلف تحصیلی چنان مهیا باشد که زمینه بروز و شناسایی استعدادها و رشد و شکوفایی آنها را فراهم نماید. دانش‌آموزان در تعامل با چنین محیطی به رغبت‌ها، علاقه‌ها، و استعدادهای خود پی می‌برند و با توجه به علاقه‌ها، رغبت‌ها، و استعدادهای خود می‌توانند در انتخاب رشته تحصیلی آگاهانه تصمیم‌گیری کنند.

اگر دانش‌آموزان به صورتی درست و متعادل به رشته‌های تحصیلی هدایت نشوند، موجب سرگردانی، بی‌هدفی، اتلاف وقت، و به هدر رفتن منابع جامعه می‌شود. اگر هدایت تحصیلی متناسب با شناخت تواناییها و رغبت‌های افراد و نیازها و امکانات جامعه انجام شود، نظام آموزشی به صورتی شایسته و منظم در جهت هدفهای پیش‌بینی شده پیش خواهد رفت. نتیجه تحقیق تصویری (۱۳۷۲) نشان داد بیشترین افسردگی در دانش‌آموزانی مشاهده شده است که رشته تحصیلی خود را ناآگاهانه انتخاب کرده‌اند.

در تحقیقی که بوسیله شرتزرو استون^۱ (حسینی ثابت، ۱۳۷۷) انجام شد، این نتیجه بدست آمد که دانش آموزان معتقدند، مشاوران باید بیشتر وقت خود را به موقعیت دانش آموزان در مدرسه و آمادگی شغلی ایشان اختصاص دهند. تحقیق دجیو^۲ (۱۹۹۷) نیز بیانگر این نکته است که مشاورانی که با دانش آموزان سال اول دبیرستان کار می کنند باید به آنها کمک کنند تا به خودآگاهی و پذیرش خود برسند. تحقیق هرینگ^۳ (۱۹۹۰) نشان داد که کمبود آموزشهای لازم در دوره متوسطه درباره شناساندن رشته تحصیلی و شغلی می تواند برای آینده زیانبار باشد. نتیجه تحقیق مونی^۴ (اردبیلی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۸) مسائل و مشکلات دانش آموزان دبیرستانی را چنین گزارش می کند که دانش آموزان بیشترین نگرانی را در تنظیم طرحهای تحصیلی و شغلی آینده داشته اند.

تحقیقهای فایض و قزوینی (۱۳۵۹) و باقرزاده (۱۳۵۹) نشان داد که ساعت کار مشاوران برای رفع مشکلات دانش آموزان کافی نیست. همچنین نتیجه تحقیق چایچی (۱۳۶۲) مؤید این مطلب است که بین انتخاب رشته و علاقه دانش آموزان به درسهای رشته رابطه مستقیمی وجود دارد. نتیجه تحقیق فرشاد (۱۳۷۱) نشان داد که بدون وجود راهنمایی و مشاوره، اطلاعات تحصیلی به دانش آموزان داده نمی شود. نتیجه تحقیق بخشی پور (۱۳۷۲) این نکته را تأیید می کند که مشاوران بیشترین موفقیت را در رابطه با حل مشکلات تحصیلی دانش آموزان داشته اند.

با توجه به نتایج تحقیقها می توان نتیجه گیری نمود که برنامه راهنمایی و مشاوره در دبیرستانها باید در سطح وسیع تری انجام شود تا راهنماییهای لازم درباره شناخت خصوصیات دانش آموزان و نیازهای جامعه را به آنان بدهد.
برای آنکه کاستیهای یک فرایند یا نظام مشخص شود، ابتدا باید آنچه انجام شده

1- Sherezzer and Stone

2- Dagiou

3- Herring

4- Moony

است مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و بررسی شود که آیا فرایند راهنمایی و مشاوره توانسته است دانش آموزان دوره متوسطه را با تواناییها، علاقه‌ها و استعداد‌های آنان و رشته‌های تحصیلی آشنا نماید تا بر این اساس دانش آموزان، رشته‌های تحصیلی را متناسب با علاقه‌ها و تواناییهای خود انتخاب نمایند.

به همین منظور این تحقیق ارتباط ملاک‌هایی که برای شناخت استعدادها و رغبت‌های دانش آموزان و راهنمایی و هدایت تحصیلی آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد را با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بررسی می‌نماید و میزان همبستگی هر یک از ملاک‌های نظر مشاور، نظر دبیر، آزمون هوش و آزمون رغبت را با پیشرفت تحصیلی مشخص می‌کند تا ملاک‌هایی که ضریب همبستگی معنادار با پیشرفت تحصیلی ندارند، مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین نگرش دانش آموزان نیز نسبت به رشته تحصیلی‌شان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است عامل‌های بسیاری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مؤثر می‌باشد، لیکن تأکید این پژوهش بر بررسی چهار عامل مذکور، به این دلیل است که این عامل‌ها مبنای هدایت تحصیلی دانش آموزان آموزش متوسطه می‌باشد.

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی ارتباط امتیازهای مشاوره‌ای با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و مطالعه نگرش آنان نسبت به رشته تحصیلی انتخابی‌شان است. برای رسیدن به این هدف اصلی، هدف‌های فرعی زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- بررسی میزان همبستگی بین نمره‌های پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و ملاک‌هایی که در امتیازهای مشاوره آنان محاسبه می‌شود.
- ۲- مطالعه میزان تفاوت بین نمره‌های پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر و امتیازهای مشاوره‌ای آنان در انتخاب رشته تحصیلی.
- ۳- بررسی نگرش دانش آموزان سال سوم نسبت به رشته انتخابی خود در سال اول.
- ۴- مطالعه میزان رابطه بین نظرهای دانش آموزان دختر و پسر نسبت به رشته تحصیلی در سال سوم.

۵- ارائه پیشنهادهایی به منظور اصلاح و تقویت فرایند راهنمایی و مشاوره در دوره متوسطه.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق عبارت است از:

- ۱- بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و امتیازهای مشاوره‌ای کسب شده آنان رابطه معنادار وجود دارد
- ۲- بین امتیازهای کسب شده مشاوره‌ای دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۳- بین میزان نگرش دانش آموزان دختر و پسر نسبت به رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۴- بین میزان نگرش دانش آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت و هدف تحقیق از دو روش همبستگی و پیمایشی استفاده شده است. از روش همبستگی به منظور تعیین میزان ارتباط پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با ملاکهای هدایت تحصیلی، و از روش پیمایشی برای بررسی نگرش دانش آموزان نسبت به رشته تحصیلی‌شان استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق تمام دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای روزانه شهر کاشان در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹ می‌باشد. این دانش آموزان با توجه به آمار موجود در اداره آموزش و پرورش کاشان ۴۸۰۵ نفر بودند. از این تعداد دانش آموز با توجه به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای نمونه‌ای با حجم ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، از فرم شماره ۵ بررسیهای مشاوره‌ای، کارنامه‌های تحصیلی دانش آموزان و پرسشنامه محقق ساخته، استفاده شده است.

الف) فرم شماره ۵ مشاوره‌ای: از این فرم امتیازهای مشاوره‌ای ملاکهای نظر مشاور، نظر دبیر، آزمون هوش ریون و آزمون رغبت هالند که در هدایت تحصیلی استفاده می‌شود، و در پرونده‌های تربیتی دانش آموزان موجود است، استخراج شده است. این دو آزمون توسط پژوهشگران هنجاریابی شده است (براهنی، ۱۳۵۱، وزارت آموزش

و پرورش، ۱۳۷۲، مولوی، ۱۳۷۲، یزدی و حسینیان، ۱۳۷۷).

ب) کارنامه‌های تحصیلی دانش‌آموزان: از کارنامه تحصیلی دانش‌آموزان میانگین نمره‌های درسهای اختصاصی سال سوم به عنوان ملاک پیشرفت تحصیلی استخراج شده است. ج) پرسشنامه: با استفاده از منابع علمی مربوط به موضوع و نظر مشاوران منطقه کاشان و نظر استادان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، پرسشنامه‌ای مرکب از ۳۰ سؤال بسته پاسخ بر مبنای مقیاس درجه‌بندی لیکرت^۱ تهیه و تنظیم شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده گردید که مقدار آن ۰/۸۱ برآورده گردید. روایی محتوای پرسشنامه نیز به وسیله مشاوران منطقه کاشان و استادان دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

فرضیه اول: بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با امتیازهای مشاوره‌ای کسب شده آنان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: ضریب همبستگی بین میانگین پیشرفت تحصیلی و امتیازهای مشاوره‌ای

میانگین	امتیاز نظر مشاور	امتیاز نظر دبیر	امتیاز آزمون رغبت	امتیاز آزمون هوش
پیشرفت	$r = ۰/۲۶$	$r = ۰/۳۸$	$r = ۰/۱۲$	$r = ۰/۰۴$
تحصیلی	$p < ۰/۰۰۰$	$p < ۰/۰۰۰$	$p < ۰/۰۲۹$	$p < ۰/۴۰۹$

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین امتیازهای مشاوره‌ای نظر دبیر، نظر

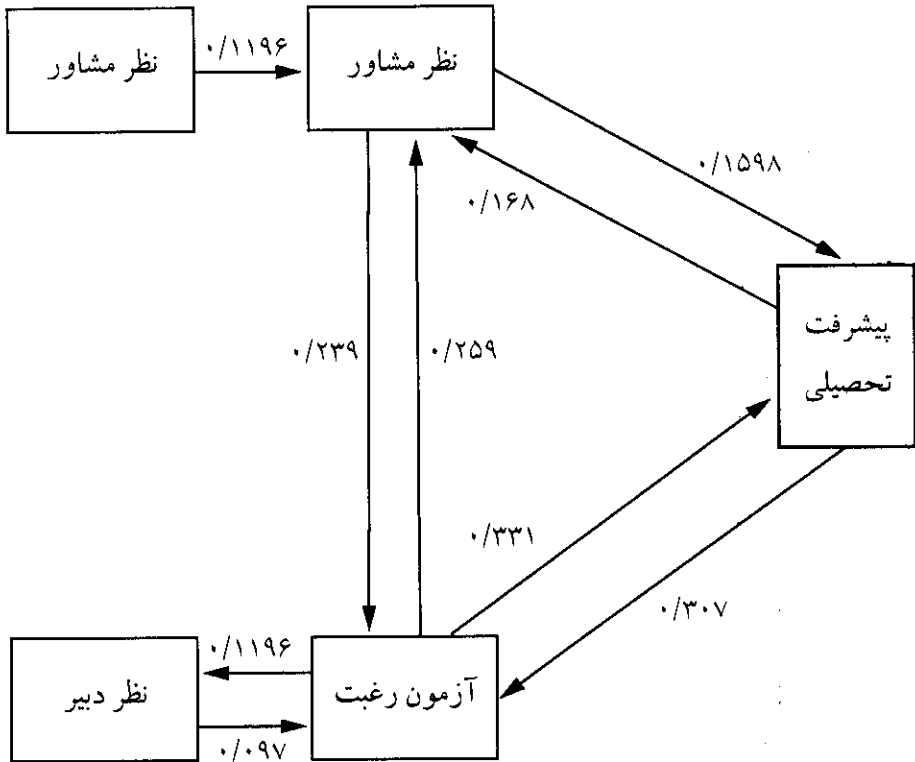
1- Likert

2- Cronbach's Alpha Coefficient

مشاور و آزمون رغبت و پیشرفت تحصیلی به ترتیب با ضریبهای همبستگی $0/38$ ، $0/26$ ، $0/12$ در سطح $(p < 0/05)$ معنادارند. لیکن این ضریبها در سطح ضعیف و خیلی ضعیف اند و ضریب همبستگی بین امتیاز مشاوره‌ای آزمون هوش با پیشرفت تحصیلی معنادار نمی‌باشد.

نتیجه تحلیل رگرسیون نشان داد که دو متغیر نظر دبیر و نظر مشاور در معادله پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی معنادار و دو ملاک آزمون رغبت و آزمون هوش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی نمی‌کنند. این یافته تحقیق، نتیجه تحقیق علی‌پور (۱۳۷۶) را که بین امتیازهای مشاوره‌ای و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد را تأیید می‌کند.

نمودار شماره ۱: تحلیل مسیر ملاکهای هدایت تحصیلی



چنانچه در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، امتیاز نظر مشاور با ضریب $(B=0/159)$ و امتیاز نظر دبیر با ضریب $(B=0/331)$ تبیین کننده پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌باشند. امتیاز نظر دبیر با ضریب $(B=0/259)$ و پیشرفت تحصیلی با ضریب $(B=0/168)$ تبیین کننده نظر مشاور است. امتیاز آزمون رغبت با ضریب $(B=0/097)$ و پیشرفت تحصیلی با ضریب $(B=0/307)$ و امتیاز نظر مشاور با ضریب $(B=0/239)$ تبیین کننده نظر دبیر می‌باشد. نتیجه تحلیل مسیر همچنین نشان داد که دو ملاک آزمون رغبت و آزمون هوش بر پیشرفت تحصیلی تأثیر مستقیم نداشته، ولی امتیاز آزمون هوش با ضریب $(B=0/119)$ روی نظر مشاور تأثیر داشته است. فرضیه دوم: بین امتیازهای کسب شده مشاوره‌ای دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین امتیازهای مشاوره‌ای دختران و پسران

جنس	میانگین	انحراف معیار	t	p
دختر	۶/۲۰	۱/۲۴	۲/۵۲	۰/۰۱۲
پسر	۶/۵۱	۱/۰۴		

بر اساس داده‌های جدول شماره ۲ و با توجه به اینکه t مشاهده شده $(2/52)$ از مقدار بحرانی جدول در سطح $(P < 0/05)$ بزرگ‌تر می‌باشد تفاوت مشاهده شده در میانگین امتیازهای مشاوره‌ای کسب شده دختران و پسران معنادار می‌باشد. فرضیه سوم: بین میزان نگرش دانش آموزان دختر و پسر نسبت به رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: مقایسه نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر

متوسط	بالا	جنس	
		فراوانی	دختر
۴۰	۱۴۳	فراوانی	دختر
۲۱/۹	۷۸/۱	درصد	دختر
۴۰	۱۲۸	فراوانی	پسر
۲۳/۸	۷۶/۲	درصد	پسر

$$\chi^2 = 0/189 \quad df = 1 \quad sig = 0/663$$

براساس نتایج جدول شماره ۳، ۷۸/۱ درصد از دانش‌آموزان دختر نسبت به رشته تحصیلی خود نگرش بالا و ۲۱/۹ درصد نگرش پایین‌تر از متوسط داشته‌اند. همچنین ۷۶/۲ درصد دانش‌آموزان پسر نسبت به رشته تحصیلی خود نگرش بالا و ۲۳/۸ درصد دانش‌آموزان پسر نگرش پایین‌تر از متوسط دارند. χ^2 محاسبه شده برابر با ۰/۱۸۹ و از مقدار بحرانی جدول در سطح ($P < 0/05$) کوچک‌تر بوده و نشان می‌دهد دو متغیر مستقل از یکدیگر هستند، به عبارت دیگر بین نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه چهارم: بین نگرش دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴: توزیع نگرش دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی

رشته‌های تحصیلی	ریاضی - فیزیک	ادبیات و علوم انسانی	علوم تجربی	کار دانش	فنی و حرفه‌ای	
بالا	فراوانی	۶۹	۶۴	۳۸	۳۹	
	درصد	۸۵/۹	۷۷/۵	۸۴/۲	۶۴/۴	۶۹/۶
پایین	فراوانی	۱۰	۲۰	۱۲	۲۱	۱۷
	درصد	۱۴/۱	۲۲/۵	۱۵/۸	۳۵/۶	۳۰/۴

$$x^2 = ۰/۱۲/۴۹۷$$

$$df = ۴$$

$$sig = ۰/۰۱۴$$

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که بیشترین نگرش نسبت به رشته تحصیلی، مربوط به دانش‌آموزان رشته ریاضی - فیزیک و پس از آن رشته علوم تجربی و سپس رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و فنی و حرفه‌ای و کمترین درصد، مربوط به دانش‌آموزان رشته کار دانش می‌باشد. X^2 محاسبه شده برابر با ۱۲/۴۹ و در سطح $(P < ۰/۰۵)$ از مقدار بحرانی جدول بزرگتر است و نشان می‌دهد که بین رشته‌های تحصیلی مختلف، نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتایج زیر را استنباط نمود:

۱- بین ملاک‌های هدایت تحصیلی آزمون رغبت، نظر دبیر، نظر مشاور و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. ولی این رابطه در سطح خیلی ضعیف و ضعیف می‌باشد. نتیجه تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که دو ملاک آزمون هوش و آزمون رغبت در معادله رگرسیون، پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی نمی‌کنند. نتیجه تحلیل مسیر نیز نشان داد که این دو ملاک اثر مستقیم روی پیشرفت تحصیلی ندارند. این نتیجه می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. در وهله اول ممکن است آزمون‌ها روایی لازم را برای منظوری

که به کار می‌روند، دارا نباشند. در وهله دوم این احتمال وجود دارد که دانش‌آموزان با شغل‌ها و فعالیت‌هایی که در آزمون رغبت‌ها لند آورده شده است، آشنایی لازم نداشته باشند و در نتیجه از روی آگاهی و شناخت کافی به این آزمون پاسخ ندهند. دلیل سوم می‌تواند از این موضوع ناشی شود که دانش‌آموزان نتایج و اجرای این آزمون را جدی تلقی نمی‌کنند.

آزمون هوش ریون که برای شناخت استعداد و توانایی هوشی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد هوش کلی افراد را می‌سنجد و برای راهنمایی دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف تحصیلی که نیاز به شناسایی استعدادهای خاص دانش‌آموزان دارد، مناسب نیست. نحوه نمره‌گذاری این آزمون نیز برای رشته‌های مختلف روال منطقی را طی نمی‌کند چنان‌که از یک نمره هوش به بالا (۱۲۳) برای همه رشته‌ها امتیاز یکسان در نظر گرفته می‌شود.

ملاکهای نظر دبیر و نظر مشاور همبستگی ضعیفی با پیشرفت تحصیلی دارند. ممکن است پایین بودن ضریب همبستگی درباره نظر دبیر به این مسأله بستگی داشته باشد که دبیران اهمیت لازم را به نظردهی‌های خودشان درباره دانش‌آموزان نمی‌دهند و به ملاک‌هایی که در نظردهی باید مدنظر قرار دهند، توجه نمی‌کنند. مشاوران نیز از وسایل عینی شناخت از قبیل آزمونهای دیگر استفاده نمی‌کنند و ارتباط با خانواده‌ها را در جهت شناخت بیشتر دانش‌آموزان کمتر مورد استفاده قرار می‌دهند.

در مورد تفاوت امتیازهای مشاوره‌ای دختران و پسران می‌توان گفت که اجرای آزمون رغبت برای هر دو جنس به صورت یکسان مناسب نمی‌باشد.

۲- بین نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به رشته‌های تحصیلی‌شان تفاوت معنادار وجود ندارد. این مطلب نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دختر و پسر در رشته‌های شاخه نظری (ریاضی - فیزیک، علوم تجربی، ادبیات و علوم انسانی) نگرش بالاتری نسبت به شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش دارند. همچنین دانش‌آموزان دختر و پسر رشته‌های نظری نسبت به رشته‌های تحصیلی خود، نگرش بالاتری دارند. نگرش دانش‌آموزان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌تواند ناشی از اثر منزلت

اجتماعی این رشته‌ها در جامعه باشد.

در رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت معنادار بین نگرش دانش‌آموزان مشاهده شده است. بطور کلی می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که فرایند هدایت تحصیلی از کیفیت بالایی برخوردار نیست. در زمینه بهبود و ارتقای کیفی این فرایند پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

الف - آزمونی که تحت عنوان آزمون هوش ریون در دوره متوسطه مورد استفاده قرار می‌گیرد با آزمون دیگری که روایی کافی را پس از انجام تحقیق نشان دهد، جایگزین شود. زیرا امتیاز آزمون هوش به عنوان یکی از ملاکهای هدایت تحصیلی، با پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار نداشته است. همچنین می‌توان از آزمونهای مختلف در رشته‌های گوناگون تحصیلی برای امتیازدهی استفاده نمود و یا نحوه امتیازدهی به آزمون هوش بر اساس هوشبهر را تغییر داد.

ب - امتیاز آزمون رغبت اگرچه با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان همبستگی دارد لیکن این همبستگی در سطح خیلی ضعیف است و ملاک پیشرفت تحصیلی را در معادله رگرسیون پیش‌بینی نمی‌کند و در تحلیل مسیر نیز اثر مستقیم روی پیشرفت تحصیلی ندارد. برای امتیازدهی رغبت دانش‌آموزان نیز می‌توان از آزمونهای دیگری استفاده نمود و یا دانش‌آموزان را با شغلها و فعالیتهای مطرح شده در این آزمون بیشتر آشنا نمود تا با آگاهی و شناخت بیشتر از شغلها و فعالیتهای آنها را علامت‌گذاری و انتخاب نمایند و به دانش‌آموزان توصیه نمود که نتایج این آزمونها را جدی‌تر تلقی کنند. می‌توان از آزمون‌های متفاوت برای دانش‌آموزان دختر و پسر استفاده نمود.

ج - امتیاز نظر مشاور رابطه معنادار با پیشرفت تحصیلی دارد اما این رابطه در سطح ضعیف می‌باشد. برای افزایش و ارتقای این ضریب همبستگی، مشاوران می‌توانند از آزمونهای دیگری نیز علاوه بر دو آزمونی که برای شناخت توانایی و رغبت اجرا می‌کنند، استفاده نمایند تا شناخت دقیق‌تری از ویژگیهای دانش‌آموزان بدست آورند. همچنین با ایجاد ارتباط بیشتر با خانواده دانش‌آموزان، می‌توان اطلاعات بیشتری درباره دانش‌آموزان کسب نمود.

د - امتیاز نظر دبیر دارای رابطه معنادار با پیشرفت تحصیلی در سطح ضعیف است. برای افزایش این رابطه نیز می‌توان با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای دبیران، نقش آنها را در هدایت تحصیلی بیشتر تبیین نمود تا این امتیاز توسط دبیران با توجه و دقت بیشتری اختصاص داده شود.

هر با توجه به اینکه نگرش دانش‌آموزان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش نسبت به رشته‌های تحصیلی شاخه‌نظری در سطح پایین‌تری است، می‌توان زمینه روانی‌گرایی دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش را در جامعه فراهم نمود و همچنین با تأمین امکانات و تجهیزات کافی برای گسترش این رشته‌ها زمینه جذب بیشتر دانش‌آموزان را به این رشته‌ها آماده کرد.

محدودیت‌های تحقیق

- ۱- این تحقیق مربوط به دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهرکاشان می‌باشد و از این نظر تصمیم‌پذیری یافته‌ها با محدودیت روبرو است.
- ۲- این تحقیق تنها به چهار عامل در هدایت و پیشرفت تحصیلی پرداخته و همه عامل‌هایی که در هدایت و پیشرفت تحصیلی مؤثر می‌باشند را مورد بررسی قرار نداده است.
- ۳- در دسترس نبودن آزمون پیشرفت تحصیلی استاندارد تا از آن به منزله ملاکی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استفاده شود.
- ۴- در دسترس نبودن یک آزمون نگرش‌سنج استاندارد برای بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های تحصیلی.
- ۵- همکاری نامناسب بعضی از مسئولان دبیرستانها ناشی از نوع نگرش آنها.

منابع

اردبیلی، ی. (۱۳۷۶). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش. تهران: بعثت.

- باقرزاده خلیجستانی، م. (۱۳۵۹). بررسی نظرات مدیران مدارس راهنمایی در مورد مشاوران. پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بخشی پور، ب. (۱۳۷۲). بررسی موفقیت مشاوران و دبیران راهنما در نظام جدید در کمک به حل مشکلات تحصیلی، شغلی، عاطفی و خانوادگی دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- براهنی، م. ن. (۱۳۵۱). پژوهش مقدماتی برای هنجاریابی آزمون ماتریس های پیشرو ریون. مجله روان شناسی، سال دوم، شماره پنجم، ص ۲۲۱-۲۰۵.
- تصوری، س. (۱۳۷۲). نگرانیهای تحصیلی و شغلی و رابطه آن با افسردگی. زنجان: اداره کل آموزش و پرورش.
- چایچی، پ. (۱۳۶۲). بررسی عاملهای مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی در بین دانش آموزان سال اول دبیرستانهای منطقه ۱۲ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی ثابت، ح. (۱۳۷۷). بررسی میزان موفقیت مشاوران تحصیلی که رشته تحصیلی آنان مدیریت و برنامه ریزی آموزشی است. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- فایض، ک. و قزوینی، ط. (۱۳۵۹). بررسی نگرش دانش آموزان و مدیران مدرسه راهنمای نسبت به خدمات مشاوره ای. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- فرشاد، م. (۱۳۷۱). بررسی تأثیر برنامه راهنمایی و مشاوره در شناخت رشته های تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، تهران: دانشگاه تهران.
- معیری، م. ط. (۱۳۷۱). مسائل آموزش و پرورش ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مولوی، ح. (۱۳۷۲). هنجاریابی مقدماتی و مطالعه پایایی و اعتبار ماتریسهای پیشرونده استاندارد ریون در نمونه ای از دانش آموزان اصفهان و شهر بابک. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، علوم انسانی، جلد پنجم، ص ۱۵۲-۱۴۱.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۷۲). گزارش جامع هنجاریابی آزمون هوشی مدرج

دیون.

یزدی، م. و حسینیان، س. (۱۳۷۷). بررسی مقدماتی آزمون رغبت سنج تحصیلی - شغلی به منظور ارائه روش نمره گذاری جهت هدایت تحصیلی دانش آموزان سال اول متوسطه. تازه‌ها و پژوهشهای مشاوره، جلد ۱. شماره ۱، ص ۷۱-۹۷.

Dagiou, B. J. (1997). A Program of Counseling and Guidance To Facilitate the Transition from Middle School to High School. *ERIC Record NO ED 413562*.

Herring, R. D. (1990). *Senior high career and guidance strategies*, U.S. Arkansas.